

انقلاب ایران

ریشه‌های ناآرامی و شورش

مهران کامروا

ترجمه

مصطفی مهرآیین



نشرکردن

یادداشت دبیر مجموعه

امروزه وجود واقعیتی «عینی» به نام «ایران» را می‌توان به‌آسانی حس کرد. ایرانِ عینیت‌یافته کشوری است با مرزهای جغرافیایی نسبتاً مشخص، جمعیتی معین و نظمی اجتماعی که در آن پدیده‌هایی همچون تولد، کودکی، جوانی، عشق، خرید، گشت‌وگذار، تولید، مصرف، خیابانگردی، خانواده، تربیت کودکان، کار، فقر، دانشگاه، ازدواج، ورزش، استادیوم، راه، ماشین، کامپیوتر، موبایل، اینترنت و ... از موجودیت‌هایی عینی برخوردارند.

باین‌حال، دنیای نمادها و نشانه‌ها یا به‌طور کلی «زبان» تنها مجرای موجود و در دسترس برای پیوند زدن انسان ایرانی با این جهان عینی است. به عبارت دیگر، زبان تنها مجرای ما انسان‌ها برای دستیابی به جهان عینی انباشته از واقعیت‌های زندگی است. آنچه گفتیم، به تعبیر برگر و لاکمن، دو جامعه‌شناس برجسته، بدان معناست که واقعیت صرفاً امری بیرونی که «آنجا» قرار داشته باشد نیست، بلکه توسط زبان و روایت‌های زبانی ما انسان‌ها از آن ساخته می‌شود. در این معنا، اگرچه جهان وجود دارد، اما ما انسان‌ها همواره با نقشه‌ای از جهان روبه‌رویم و طبق همان نقشه جهان را می‌فهمیم و با آن تعامل می‌کنیم. زبانی که ما به‌واسطه آن جهان را می‌سازیم و آن را دسترس‌پذیر می‌کنیم، البته، در یک سطح عمل نمی‌کند. این زبان، به باور برگر و لاکمن، از بنیادی‌ترین سطح یعنی سطح «توضیحات» یا همان سطح واژگان و مفاهیم اولیه برای نظم بخشیدن به اشیا، رویدادها و افراد و جای دادن آنها درون طبقه‌بندی‌های متفاوت آغاز می‌شود و تا بالاترین سطح یعنی «قلمروها یا دنیاهای نمادین» که مرکب از سنت‌های نظری دقیق‌تر، علوم متفاوت، فلسفه‌ها، نظام‌های هنری، گفتمان‌های ادبی و باورهای مذهبی است ادامه می‌یابد.

زبان پژوهش علمی، چنان‌که برگر و لاکمن به آن اشاره می‌کنند، از مهم‌ترین

قلمروهای نمادین است که به روایت ما از جهان اجتماعی و زندگی انسانی و ابعاد متفاوت آن شکل می‌بخشد. در نتیجه، اگرچه واقعیت «عینی» ایران قابل لمس و مشاهده است، تحقیقات مربوط به ایران که مجموع آنها را می‌توان «ایران‌پژوهی» نامید از مهم‌ترین دنیاهای نمادینی‌اند که به روایت ما از جامعه ایران شکل می‌بخشند و اصولاً وجود جامعه ایران را برای ما ممکن می‌سازند. به عبارت دیگر، زبان پژوهش علمی درباره ایران این قابلیت را دارد که میانجی فهم ما از جامعه ایران و تحولات آن باشد و به‌عنوان عنصری فرهنگی-اجتماعی ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی‌مان ببرد و درکی نسبتاً عمیق از وضعیت این جامعه به ما عرضه کند. در واقع، روایت‌های حاصل از مطالعات ایران‌پژوهی از جمله مهم‌ترین روایت‌هایی‌اند که در شکل‌دهی به سوژکتیویته‌های فردی و جمعی ما تأثیرگذارند.

امروزه، از یک سو، به‌واسطه وجود گروه‌های علمی «ایران‌شناسی» در دانشگاه‌های سراسر جهان و، از سوی دیگر، به دلیل وجود تعداد نسبتاً زیاد محققان علاقه‌مند به پژوهش درباره جامعه ایران، با حجم انبوهی از تحقیقات با موضوع جامعه ایران و ابعاد متفاوت آن روبه‌رویم که آشنایی با آنها می‌تواند ما را قادر به دیدن لایه‌های پنهان تاریخ این جامعه و امیدهای نهفته در آن کند. این تحقیقات با عمیق‌تر کردن دانش نظری و روش‌شناختی ما از اشکال متفاوت پژوهش درباره جامعه ایران، می‌تواند مانع از انجام پژوهش‌هایی ضعیف و فاقد کیفیت در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ما شود.

امید است در مجموعه «ایران‌پژوهی» بتوانیم با انتشار پژوهش‌های مربوط به ایران به غنای دانش جامعه علمی از آنچه نام «ایران» بر خود دارد، کمک کنیم. از همه محققان و مترجمان ایران‌پژوه درخواست می‌کنیم ترجمه‌ها و تألیف‌های خود را در اختیار این مجموعه قرار دهند تا با انتشار آنها هدف این مجموعه یعنی «بازسازی گفتمانی مفهوم ایران» ممکن شود.

فهرست

۱	-----	مقدمه مترجم
۳	-----	پیش‌گفتار
۵	-----	فصل اول: علل انقلاب
۶	-----	نظریه‌های انقلاب
۲۳	-----	نتیجه‌گیری
۲۷	-----	فصل دوم: دولت پهلوی
۲۹	-----	حکومت شاهنشاهی ایران
۵۸	-----	فروپاشی رژیم
۹۱	-----	فصل سوم: نیروهای مخالف رژیم
۹۳	-----	احزاب سیاسی
۱۱۳	-----	روشنفکران
۱۳۳	-----	علماء (روحانیان)
۱۴۸	-----	فعالیت‌های مخالفان
۱۶۱	-----	فصل چهارم: تغییر اجتماعی
۱۶۲	-----	فرایند تغییر اجتماعی



۱۶۴	-----	تغییر اجتماعی در ایران
۱۷۳	-----	طبقات در ایران
۱۹۴	-----	تغییر اجتماعی و انقلاب
۲۰۱	-----	فصل پنجم: بسیج توده‌ای انقلابی
۲۰۲	-----	نارضایتی‌های اقتصادی
۲۰۸	-----	خواسته‌های سیاسی
۲۱۵	-----	نارضایتی‌های اجتماعی-فرهنگی
۲۱۸	-----	رهبری آیت‌الله خمینی
۲۲۳	-----	فصل ششم: نتیجه‌گیری
۲۲۹	-----	ضمیمه: پیام رادیو-تلویزیونی شاه
۲۳۳	-----	منابع و یادداشت‌ها
۲۶۳	-----	کتابنامه
۲۸۵	-----	نمایه

مقدمه مترجم

پرسش این پژوهش همانند همهٔ دیگر پژوهش‌های مربوط به انقلاب ایران صریح و روشن است: چرا در سال ۱۳۵۷ در ایران انقلاب شد؟ نویسندهٔ کتاب در پاسخ به این پرسش کوشیده است با اتخاذ رویکرد نظری متفاوت، و به تبع آن جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، پژوهش خود را از دیگر پژوهش‌ها متمایز کند. به لحاظ نظری، تحلیل این پژوهش مبتنی بر دیدگاه ترکیبی بدیعی است. محقق کوشیده است از راه تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناختی انقلاب (نظریهٔ ارزش-نظام چالمرز جانسون) با نظریه‌های روان‌شناختی (نظریهٔ روان‌شناسی توده‌ها تدگر و جیمز دیویس) و نظریه‌های سیاسی (نظریه‌های تدا اسکاچپول، ساموئل هانتینگتون، جرالدرین و چارلز تیلی) نشان دهد بررسی علل یک انقلاب نیازمند رویکردی چندرشته‌ای است، به‌ویژه رویکردی که با تأکید بر جزئیات، به بررسی سیاست (دولت) و شرایط فرهنگی-اجتماعی (جامعه) پیش از انقلاب بپردازد. به باور نویسنده، تمایز مفهومی میان «دولت» و «جامعه» و بررسی تحولات شکل‌گرفته در این دو قلمرو - مسئله‌ای که بیشتر نظریه‌های انقلاب آن را نادیده انگاشته‌اند - برای فهم صحیح و کامل علل انقلاب دارای اهمیت اساسی است. نویسنده مبتنی بر تمایزی کلی که میان دولت و جامعه برقرار می‌کند، انقلاب را «حرکت و جنبش گروه‌های مختلف اجتماعی - گروه‌هایی که جایگاه استراتژیکی در جامعهٔ خود دارند - برای به دست آوردن قدرت و اقتدار نخبگان حاکم به هنگام ضعف و آسیب‌پذیری دولت» تعریف می‌کند. به باور کامروا، وقوع یک انقلاب موفق نیازمند وجود مجموعه‌ای از شرایط لازم «اجتماعی» و «سیاسی» است. به لحاظ سیاسی، «لازم است قدرت و اقتدار نخبگان حاکم در نتیجهٔ وقوع برخی تحولات داخلی یا بین‌المللی به صورت معناداری تضعیف شود. گروه‌هایی که در پی سرنگونی نخبگان حاکم هستند، از ضعف قدرت سیاسی حکومت بهره برده و باعث سرنگونی حکومت می‌شوند. در جامعه نیز باید تمایل به تغییر انقلابی وجود داشته باشد. برای اینکه گروه‌های مخالف نظام سیاسی بتوانند مشروعیت مردمی را به دست آورند و حمایت آنان را در سرنگونی

رژیم حاکم کسب کنند، وجود دو عامل اجتماعی ضروری است. نخست اینکه، گروه‌های مخالف باید ابزارهای اجتماعی لازم را برای نشر شعارها و تبلیغات خود در جامعه و ایجاد پیوندهای لازم با طبقات مردم داشته باشند. ... دوم اینکه، توده‌های مردمی از شرایط اجتماعی ناراضی باشند و به حمایت از گروه‌های مخالف گرایش پیدا کنند».

محقق پس از طرح این مباحث نظری، در چهار فصل بعدی پژوهش خود سعی در ارائه قصه‌ای تاریخی-تجربی دربارهٔ چهار موضوع زیر دارد: ۱. ساخت دولت پهلوی، ۲. تشکیلات و فعالیت‌های گروه‌های مخالف رژیم (به‌عنوان موضوعاتی که وجه «سیاسی» تحلیل محقق را نشان می‌دهند)، ۳. تغییرات اجتماعی-اقتصادی جامعهٔ ایران پیش از انقلاب و ۴. فرایند بسیج انقلابی (به‌عنوان موضوعاتی که وجه «اجتماعی» تحلیل محقق را نشان می‌دهند). آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌های مربوط به انقلاب ایران متمایز می‌کند نوع داده‌هایی است که محقق کوشیده است برای معتبر ساختن قصهٔ تاریخی خود از انقلاب ایران به آنها دست یابد. برای دستیابی به این داده‌ها، به‌ویژه داده‌های مربوط به ساختار دولت پهلوی و فعالیت‌های مخالفان رژیم، محقق مبادرت به انجام مصاحبه‌هایی وسیع با افراد مختلف درگیر در فرایند انقلاب ایران کرده است. این داده‌ها نباشته از نکات تازه در خصوص فرایند انقلاب و چگونگی تحقق آن است. بازخوانی داده‌های جامعه‌شناختی-اقتصادی مربوط به انقلاب ایران و جای دادن آنها در یک قصهٔ جامعه‌شناختی دقیق از وجوه امتیاز پژوهش حاضر است.

از دکتر حسین شیخ‌رضایی، مدیر محترم نشر کرگدن، که با لطف و مهربانی خود امکان چاپ این کتاب را فراهم آورد سپاسگزارم. همچنین وظیفهٔ خود می‌دانم از زحمات سرکار خانم پریا عباسی، ویراستار محترم متن، که بی‌هیچ اغراقی با ویرایش خود متن را تبدیل به متنی روان و روشن کرد، قدردانی کنم.

من این متن را به نمایندگی از همهٔ زن-مادران این سرزمین که به‌نوعی درگیر فرایند انقلاب ایران و پیامدهای آن بوده‌اند به زن-مادرم، خیری دارایی، تقدیم می‌کنم. ژولیا کریستوا، متفکر بلغاری الاصل فرانسوی، در کتاب خود *انقلاب زبان شاعرانه* معتقد بود هیچ انقلابی بدون انقلاب در زبان ممکن نمی‌شود. معتقدم زبان انقلاب ایران زبان زن-مادران این سرزمین بود که انقلابیون را دعوت به ایجاد تغییر در جامعهٔ خود می‌کرد. امیدوارم روزی محقق بتواند این ویژگی انقلاب ایران را به‌زیبایی بررسی کند.

پیش‌گفتار

این کتاب علل انقلاب ۱۳۵۷ ایران را بررسی می‌کند. در سال‌های اخیر، آثار علمی بسیاری انتشار یافته‌اند که به شیوه‌هایی متفاوت می‌کوشند شرایط تاریخی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ساز انقلاب ایران را بررسی کنند. هدف من در این کتاب طرح و ارائه دو چشم‌انداز نو در مطالعه انقلاب ایران است: نخست، کوشیده‌ام تا آنجا که ممکن است به تفصیل و با تأکید بر جزئیات تمام اطلاعات و داده‌های واقعی مربوط به انقلاب ایران را، به‌ویژه اطلاعات مربوط به ساخت دولت پهلوی، تشکیلات و فعالیت‌های گروه‌های مخالف رژیم و همچنین اطلاعات مربوط به تغییرات اجتماعی-اقتصادی را که پیش از انقلاب در ایران روی دادند، جمع‌آوری و تحلیل کنم. دوم اینکه، تفسیر و برداشت من از علل انقلاب ایران با آنچه تاکنون در ادبیات انقلاب مطرح شده است، تفاوت دارد.

نوشتن درباره انقلاب، برای من، هم سعی و کوشش فردی و هم جهد و تلاش دانشگاهی بوده است. با نوشتن این کتاب کوشیده‌ام قدمی هرچند ناچیز در راه رسیدن به فهم و شناخت صحیح‌تر از این جنبش تاریخی مهم بردارم.

عمیقاً مدیون و مرهون کسانی هستم که از راه‌های مختلف مرا در کامل کردن این اثر یاری کردند. از جان دان^۱ و ارنست گلنر^۲ که صورت اولیه فصول متفاوت کتاب را مطالعه و درباره آن اظهارنظر کردند سپاسگزارم. جان باربر^۳، جفری هاثورن^۴ و ادوارد مورتیمر^۵ نیز تمام دست‌نویست را مطالعه و نکات بسیار ارزشمندی درباره محتوا و شکل کتاب به من گوشزد کردند؛ از آنان بسیار متشکرم. پیتر آوری^۶ شایسته سپاس و تقدیر خاص من است. او به‌عنوان استاد و استاد راهنمای من در کالج کینگ، کمبریج، با صبر و علاقه کار مرا دنبال می‌کرد و من از اینکه دانشجوی او بوده‌ام بسیار خوشحال‌ام. خانم افخمی از بنیاد مطالعات ایران و دکتر قاسمی از کانون ایران، با محبت صمیمانه خود، ملاقات با برخی چهره‌های نظامی و غیرنظامی رژیم پهلوی را برایم تدارک دیدند، از اعتماد و کمک آنان بسیار سپاسگزارم. همچنین از تمام کسانی که هنگام نوشتن این اثر پذیرفتند با آنان مصاحبه کنم، تشکر می‌کنم و امیدوارم توانسته باشم به‌نحو کافی دیدگاه‌ها و نظرات آنها را در اینجا مطرح کنم. از خانم والریه حیدر نیز به دلیل همکاری در ویرایش کتاب و واژه‌پردازی عالی آن سپاسگزاری می‌کنم. و بالاخره سپاسگزار والدین و بسیاری از دوستانم هستم که در جریان نوشتن کتاب مرا حمایت و تشویق کردند. شخصاً مسئولیت هرگونه خطا و کمبودی را که این کتاب از آن رنج می‌برد، به‌طور کامل بر عهده می‌گیرم.

مهران کامروا

1. John Dunn
3. John Barber
5. Edward Mortimer

2. Ernest Gellner
4. Geoffrey Hawthorn
6. Peter Avery

فصل اول

علل انقلاب

سال‌هایی طولانی است که اندیشمندان علوم اجتماعی درگیر بحث مستمر درباره مفهوم انقلاب و علل و پیامدهای آن هستند. انقلاب ایران با به چالش کشیدن برخی از مفروضات و قضایای بنیادینی که بیشتر نظریه‌های انقلاب بر پایه آنها شکل گرفته‌اند، بار دیگر به این بحث دامن زده است. در همین حال، انقلاب ایران برخی دیگر از مفروضات و قضایای نظریه‌های موجود را تأیید و تصدیق کرده است، اگرچه در تمام موارد، دامنه این تأییدها محدود بوده و هرگز به تأیید و تصدیق تمامی یک چهارچوب نظری منتهی نشده است. در واقع، انقلاب ایران ضرورت ارزیابی مجدد تبیین‌های موجود از چرایی وقوع انقلاب‌ها را بار دیگر مطرح کرد؛ اما ارزیابی مجدد نظریه‌ها باید به‌گونه‌ای عمیق و روشمند صورت پذیرد. با این حال، انقلاب ایران حداقل موجب شد یکی از افراد متخصص در زمینه انقلاب‌ها برخی از مباحث اصلی خود را بازبینی کند.^[۱] در این فصل امکان استفاده از برخی نظریه‌های مهم انقلاب را برای تبیین انقلاب ایران بررسی خواهیم کرد.

۱. منظور نویسنده خانم تدا اسکاچپول است که پس از وقوع انقلاب ایران در نظریه خود تجدید نظر کرد. - م.